





مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه دین

عنوان پایان نامه

بررسی انتقادی رویکردهای تحویل گرایانه عصب شناختی به تجربه دینی

استاد راهنما

حجت الاسلام دکتر ابوالفضل ساجدی

استاد مشاور

حجت الاسلام دکتر محمدناصر سقای بی‌ریا

دانش پژوه

امیر شفیعی

دی ماه ۱۴۰۰

همه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس از این پایان نامه یا رساله برای
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیر و تشکر

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ؛

اصول کافی، باب ثواب العالم و المعلم، حدیث ۶

خداوند متعال را شاکرم که به من توفیق علم‌آموزی از معلّمانی را عطا کرد که به حق برای خدا آموخته بودند و برای خدا به آموخته‌های خود عمل می‌کردند و برای خدا آن را تعلیم می‌دادند. بی‌شک جبران زحمات و تلاش‌های بی‌دریغ معلّمان و اساتید دلسوز دوران تحصیل از توان من خارج است اما سپاسگزاری و دعای خیر برای ایشان را وظیفه خویش می‌دانم. بنابراین از تمام اساتید دوران تحصیل در مدرسه، حوزه علمیه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{۱۶} بالاخص استاد گران‌قدر حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر ابوالفضل ساجدی که چندین دوره از تدریس ایشان بهره‌برده و نیز در امر نگارش پایان‌نامه حاضر استاد راهنمای بنده بودند و نیز استاد معظم حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدناصر سقّای بی‌ریا که از گروه روان‌شناسی به عنوان استاد مشاور قبول زحمت کردند و همچنین استاد داور محترم جناب آقای دکتر یوسف دانشور، با تمام وجود سپاسگزارم و از خداوند متعال برای همه این بزرگواران طول عمر با برکت و سلامتی و توفیقات روز افزون در راه اعتلای اسلام عزیز را خواستارم. همچنین از همسر مهربان و عزیز و پدر و مادر دلسوزم به خاطر همراهی‌ها و تحمل سختی‌های این دوران کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند متعال برای این عزیزان نیز طول عمر با برکت در راه بندگی خالصانه‌اش به همراه سلامتی و شادمانی تمنا می‌کنم. امیدوارم که بتوانم با خدمت شایسته به دین خدا و خلیفه بر حق خدا بر روی زمین، حضرت حجّت ابن الحسن العسکری^(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، شکر واقعی این نعمت‌ها و زحمات اساتید و عزیزانم را به جا بیاورم و حق آن را ادا کنم.

چکیده

تجربه دینی به عنوان یک امر درونی و ارتباط آن با فعالیت سلول‌های سیستم اعصاب مرکزی، مورد مطالعه برخی از عصب‌شناسان قرار گرفته است. گروهی از این افراد با مشاهده نوعی ارتباط و همبستگی بین تجربه دینی و فعالیت عصبی، این دیدگاه را مطرح کرده اند که تجربه دینی چیزی نیست جز فعالیت سلول‌های مغزی. تحقیق حاضر در پی روشن ساختن این مسئله است که آیا تجربه دینی واقعاً می تواند معلول فعالیت سلول‌های مغزی باشد یا خیر. از طرفی توسعه مفهوم تجربه دینی از کوچک‌ترین احساسات معنوی تا وحی انبیاء باعث شده برخی این ادعا را مطرح کنند که منشأ ادیان و منشأ وحیی که آسمانی تلقی می‌شد، چیزی خارج از مغز انسان نیست. از آنجا که پذیرش چنین دیدگاهی منجر به نفی اعتبار تمامی معارف و حیانی ادیان الهی می شود، تبیین نوع ارتباط تجربه دینی و مغز اهمیت بسیار زیادی پیدا می کند. در این تحقیق، با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به جمع‌آوری تحقیقات عصب‌شناسان درباره تجربه دینی پرداخته و میزان دلالت این تحقیقات بر مدعای تحویل‌گرایانه فوق مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این پژوهش عبارتند از اینکه تحقیقات تجربی درباره تجربه دینی توان ارائه توصیفی کامل از ماهیت این موضوع را نداشته و تحویل تجربه دینی به امری مادی از حیث روش شناختی و هستی‌شناختی ناموجه است؛ همچنین وحی انبیاء از ویژگی‌هایی بهره‌مند است که به هیچ وجه با مادی‌انگاری تجربه دینی تبیین‌پذیر نیست.

واژگان کلیدی:

تحویل‌گرایی، تجربه دینی، تحویل تجربه دینی، عصب‌شناسی شناختی، عصب‌شناسی تجربه دینی، الهیات اعصاب

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات و مفاهیم	۲
۱. کلیات	۲
۱.۱ . مسأله تحقیق	۲
۱.۲ . پیشینه تحقیق	۲
۱.۳ . پرسش های اصلی و فرعی تحقیق	۵
۱.۴ . ضرورت تحقیق	۶
۱.۵ . روش تحقیق	۶
۱.۶ . ساختار تحقیق	۶
۲. مفاهیم	۷
۲.۱ . تجربه دینی	۷
۲.۲ . علم شناختی	۱۵
۲.۳ . تحویل گرایی	۱۸
۲.۳.۱ . تحویل گرایی هستی شناختی	۱۹
۲.۳.۲ . تحویل گرایی معرفت شناختی	۲۰
۲.۴ . تحویل تجربه دینی	۲۱
فصل دوم: درآمدی بر علوم اعصاب و علم اعصاب شناختی	۲۴
۱. علوم اعصاب	۲۴
۱.۱.۱ . تاریخچه	۲۵
۱.۱.۲ . مبانی فلسفی	۲۵

۲۷	۲. علم اعصاب شناختی
۲۷	۳. الهیات عصب
۲۹.....	۳.۱.۱. عصب شناسی تجربه دینی
۳۰.....	۳.۱.۲. عصب شناسی اختیار اخلاقی
۳۰.....	۳.۱.۳. تجربه دینی و سلامتی
۳۱	۴. ساختار مغز و کارکرد بخش های مختلف آن
۳۳.....	۴.۱. مخ
۳۹.....	۴.۲. دیانسفال
۳۹.....	۴.۳. مغز میانی
۳۹.....	۴.۴. مغز پسین
۴۰.....	۴.۵. سیستم لیمبیک
۴۱	۵. تکنیک های مطالعه و تصویربرداری از مغز
۴۶	فصل سوم: تحویل های عصب شناختی تجربه دینی
۴۶	۱. زمینه های گرایش به رویکردهای تحویل گرایانه
۴۶.....	۱.۱. جهان بینی طبیعت انگارانه و تقلیل گرایی علی
۴۷.....	۱.۲. روند تکاملی مغز
۴۷.....	۱.۳. این همانی ذهن و مغز
۴۸	۲. دیدگاه های عصب شناختی درباره تجربه دینی
۴۸.....	۲.۱. صرع لوب گیجگاهی (TLE)
۵۵.....	۲.۲. روان گسیختگی
۵۶.....	۲.۳. اختلال وسواس فکری-عملی (OCD)
۵۷.....	۲.۴. ساختار دوشقی مغز

۲.۵	. تحریک الکتریکی مغز.....	۵۸
۲.۶	. تغییرات شیمیایی در مغز.....	۶۰
۲.۷	. مراقبه و اعمال دینی.....	۶۲
۲.۷.۱	. بررسی بودائیان تبتی در حین مراقبه.....	۶۳
۲.۷.۲	. بررسی راهبه های فرانسیسکن در حین نماز.....	۶۳
۲.۷.۳	. بررسی مسیحیان در حین گلسولالیا.....	۶۵
۲.۷.۴	. بررسی مسیحیان پروتستان با تجربه دینی هنگام قرائت کتاب مقدس.....	۶۶
۲.۷.۵	. بررسی راهبه های کارملی با تجربه اتحاد با خدا.....	۶۷
۲.۷.۶	. بررسی مسلمانان مذهبی در حین قرائت دعای کمیل.....	۶۸
۷۴	فصل چهارم: نقد و بررسی	
۷۴	۱. نقد روش شناختی	
۷۴	۱.۱ . ناکافی بودن تحویل گرایی علی برای توصیف.....	
۷۷	۱.۲ . عدم رابطه استلزامی بین تحویل گرایی روش شناختی و تحویل گرایی هستی شناختی.....	
۷۷	۱.۳ . اشکال ساده سازی مفهوم تجربه دینی.....	
۷۸	۱.۴ . نسبت دین و تجربه دینی.....	
۷۹	۱.۵ . کاستی های نظریه پیمانه ای بودن مغز.....	
۸۰	۱.۶ . مشکلات نقش فعال آزمودنی در آزمایش.....	
۸۱	۱.۷ . خلط رابطه همبستگی با رابطه علی.....	
۸۱	۲. نقد معرفت شناختی	
۸۲	۲.۱ . ارزش و اعتبار معرفت تجربی.....	
۸۵	۲.۲ . قلمرو معرفت تجربی.....	
۸۶	۳. نقد هستی شناختی	

۳.۱ . سرشت تجربه دینی	۸۶
۳.۲ . نظریه کارکرد مغزی	۸۶
۳.۳ . نظریه این‌همانی ذهن و مغز	۸۷
۳.۴ . نظریه تجرّد نفس و حالات آن	۸۸
۴. نقد پدیدارشناختی	۹۱
۴.۱ . انواع تجربه دینی	۹۱
۴.۲ . ویژگی‌های وحی نبوی	۹۴
۴.۲.۱ . بیان مفاهیم عالی توسط فردی امّی	۹۴
۴.۲.۲ . وحدت و یکپارچگی قرآن‌کریم علی‌رغم کثرت تجربیات	۹۶
۴.۲.۳ . وجود اخبار گذشته، آینده و غیب در وحی	۹۶
۴.۲.۴ . دقیق و تفصیلی بودن وحی	۹۸
۴.۲.۵ . مخالفت وحی با بخشی از فرهنگ و دین زمانه	۹۸
۴.۲.۶ . تناسب زمانی و محتوایی وحی با وقایع خارجی	۹۹
۴.۲.۷ . سازگاری با عقل و منطق	۹۹
۴.۲.۸ . تفکیک پیامبر میان وحی و دیگر سخنان خود	۱۰۰
۴.۲.۹ . هم‌آورد طلبی قرآن	۱۰۰
۴.۲.۱۰ . حالات جسمانی پیامبر هنگام دریافت وحی	۱۰۱
خاتمه: نتیجه‌گیری	۱۰۴
فهرست منابع	۱۰۷

فصل اول

کلیات و مفاهیم

فصل اول : کلیات و مفاهیم

یکی از ضروریات هر پژوهشی، تبیین مسئله مورد تحقیق، ضرورت تحقیق، روش تحقیق و تعریف اصطلاحات و واژگانی است که در آن تحقیق به نحو تأثیرگزاری به کار گرفته شده. بنابراین، در این فصل در دو بخش کلیات و مفاهیم به تبیین همین ضروریات.

۱. کلیات

۱،۱. مسأله تحقیق

ماهیت و منشأ تجربه دینی دست کم در چهار علم کلام، فلسفه، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، می‌تواند مسئله و موضوع تحقیق قرار بگیرد. در بین این علوم، برخی رویکردهای روان‌شناسانه و عصب‌شناسانه به ماهیت تجربه دینی، در قالب رویکردهای تحویل‌گرایانه می‌گنجند. مقصود از تحویل‌گرایی در این بحث نظریه‌ای است که تجربه دینی را معلول فعالیت سلول‌های مغزی می‌داند. ما در این تحقیق به بررسی این دست از نظریات می‌پردازیم. براساس این نظریات تجارب دینی گاه از آسیب‌ها و بیماری‌های مغزی نشأت می‌گیرند، گاه تحت تأثیر مراقبه‌های جسمانی هستند و گاه با تحریک الکتریکی یا دارو پدیدار می‌شوند، در حالی که حالت طبیعی غیر مرضی و غیر مصنوعی نیز می‌توانند داشته باشند. چنین نظریاتی پیامدهای مهمی برای معرفت دینی دارد. از آنجا که وحی یکی از منابع مهم معرفت دینی است، تقلیل وحی به صرف فعالیت سلولهای مغزی، ارزش معرفت شناختی آن را زیر سؤال می‌برد، لذا دغدغه اصلی در این جا، بررسی ارزش و اعتبار وحی به عنوان پیام الهی است.

۱،۲. پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که در باب ماهیت و منشأ تجربه دینی، از دیدگاه‌های مختلف اعم از فلسفی، کلامی و روانشناختی صورت گرفته، و نیز تحقیقات درباره تبیین رابطه علم و دین از دیدگاه عصب‌شناسی پیشینه عام تحقیق ما خواهد بود که به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱) تجربه دینی در فرهنگ اسلامی؛ مسعود آذربایجانی و دیگران.

در این کتاب، مباحث خوب و مفیدی در مفهوم‌شناسی و چیستی تجربه دینی مطرح شده است. در فصل دوم کتاب نیز با عنوان روانشناسی تجربه دینی، به رویکردهای تحویل‌گرایانه روان‌شناختی به تجربه دینی اشاره شده است. این اثر از آن جهت که به ماهیت تجربه دینی و نیز برخی رویکردهای تحویل‌گرایانه پرداخته، به تحقیق ما نزدیک است، اما توجه به مطالعات روان‌شناسانه، یکی از وجوه تمایز این اثر با مقصود ما که بررسی مطالعات عصب‌شناسانه است می باشد.

۲) ماهیت تجربه دینی و اقسام آن؛ مهناز نیک منظر مقدم.

این اثر به مطالعات فلسفی این موضوع پرداخته اما در صدد پاسخ به شبهات مطرح با توجه به مطالعات عصب‌شناسانه نبوده است.

۳) بررسی رابطه علم و دین از دیدگاه نیوبرگ براساس الگوی الهیات اعصاب؛ هادی هاشمی.

این اثر مشتمل بر بررسی و نقد دیدگاه خاص اندرو نیوبرگ درباره ارائه راه حل جدید مسئله علم و دین و برقراری پیوند میان آن دو است.

۴) معرفی و تحلیل انتقادی آرای جان هیک در باب چالش های علم و دین؛ براساس کتاب

"مرز نوین علم و دین، تجربه دینی، علم عصب‌شناسی و امر متعالی"؛ کریم کرمی.

این اثر به طور کامل شرح و ترجمه کتاب مذکور از جان هیک است و در انتها در حدود ۸ صفحه به بررسی و نقد روش‌شناختی این اثر خاص پرداخته است. از داده‌های این اثر استفاده خواهد شد ولی بررسی جامعی نیست.

تحقیقاتی که پیرامون ماهیت و منشأ تجربه دینی از دیدگاه عصب‌شناختی صورت گرفته، پیشینه خاص تحقیق ما خواهد بود که به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱) تجربه دینی از منظر نوروساینس؛ بررسی نظریات هیک درباره تجربه دینی و نوروساینس؛

سید نوید محمودی هاشمی.

این اثر با ارائه گزارشی از مطالعات عصب‌شناختی پیرامون تجربه دینی، تبیین جان هیک از این مطالعات را ارائه می‌دهد و به نقد و بررسی دیدگاه او می‌پردازد و در پایان اشاره می‌کند که رویکردهایی که مغز انسان را وسیله‌ای برای درک وجود متعالی می‌دانند ترجیحی بر رویکردهایی که دین را ساخته مغز انسان می‌داند، ندارند! اما مقصود ما از این تحقیق نشان دادن کاستی و ضعف این گونه نظریات و

بررسی ارزش معرفت‌شناختی تجربیات دینی پیامبران و اولیای الهی است. همچنین ما به دنبال ارائه نقدهای متعدد از جنبه‌های مختلف هستیم.

۲) ناکارآمدی دیدگاه عصب‌شناختی در باب تجربه دینی از نظر جان هیک؛ سمیه درویشوند. نویسنده این پایان‌نامه پس از ارائه گزارشی از مطالعات عصب‌شناختی پیرامون تجربه دینی، در مقام نقد، صرفاً نقدهای جان هیک را ارائه کرده است که از این منظر با آثار قبلی مشترکات زیادی دارد.

۳) دیدگاه الهیات مبتنی بر عصب‌شناسی در باب خداوند و نقد آن؛ زینب ماشااللهی. این پایان‌نامه از لحاظ موضوع بحث، به مصداقی خاص از تجربه دینی که عبارت است از ادراک مفهوم خدا پرداخته است و نقدهای آن یا ناظر به چالش‌های این نظریات درباره اصل وجود خداست و یا نقدهایی تکراری برگرفته از پایان‌نامه‌های مذکور است که عمدتاً هم نقدهایی روش‌شناختی است.

۴) الهیات عصب و تجربه دینی؛ چالشها؛ محمد صادق احمدی.

این مقاله با ارائه توضیح مختصری درباره تجربه دینی، دانش عصب‌شناسی و الهیات عصب، در مقام بیان چالش‌های این مطالعات، به ارائه نقدهایی مبتنی بر نقد طبیعت‌گرایی، تقلیل‌گرایی و علم‌پرستی می‌پردازد. این مقاله می‌تواند به عنوان منبعی برای تحقیق ما قرار بگیرد اما از لحاظ بررسی ابعاد مسئله، جامعیت دیدگاه‌ها و ارائه نقد، کاستی‌هایی دارد.

۵) نقد و بررسی مطالعات عصب‌شناختی تجربه دینی؛ مسائل و محدودیت‌ها؛ کریم کرمی.

این مقاله نیز توضیح مختصری درباره تجربه دینی و مطالعات عصب‌شناختی پیرامون آن، به اختصار مباحثی را مطرح کرده و چند چالش را در این زمینه ارائه می‌نماید. این مقاله از لحاظ ارائه نظریات و نقدها جامعیت لازم را ندارد اما می‌تواند راهنمای تحقیق ما باشد.

۶) بررسی و نقد نظریه «نیوبرگ» درباره همبستگی بین اعمال مذهبی و مغز بر اساس الگوی الهیات اعصاب؛ علی سنائی.

این مقاله اگرچه حول محور الهیات اعصاب است اما ناظر به دیدگاه اندرو نیوبرگ است که اساساً جزو نظریه پردازان تحویل‌گرا در این زمینه به حساب نمی‌آید بلکه نیت او از تحقیقات عصب‌شناختی، ارائه راه‌حل جدیدی برای مسئله علم و دین است. اما او نیز در این راه لغزش‌هایی داشته که در این مقاله برخی نقدها به تحقیقات او ارائه شده است. مشکل عدم جامعیت در تبیین مسئله و نپرداختن به نظریات و نقدهای مختلف، در این مقاله نیز وجود دارد.

۷) بررسی نظریه جان هیک درباره تجربه دینی و عصب‌شناسی؛ سیامک عبداللّهی.

این مقاله به طور خاص متمرکز بر دیدگاه جان هیک در نقد چالش‌هایی است که دانش عصب‌شناسی برای تجربه دینی و نیز رابطه علم و دین ایجاد کرده است. در این مقاله ابتدا دیدگاه جان هیک و نقدهای او بر مطالعات عصب‌شناختی تجربه دینی تبیین می‌شود و سپس به بررسی دیدگاه و نقدهای او می‌پردازد.

ویژگی‌های تحقیق حاضر در مقایسه با دیگر آثار موجود در این زمینه عبارتند از:

۱. گردآوری عمده دیدگاه‌های تحویل‌گرایانه؛
۲. پرداختن به زمینه‌ها و پیامدهای این نوع رویکردها؛
۳. ارائه نقدهایی متنوع در ابعاد مختلف از جمله روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و پدیدارشناختی.

۱,۳. پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق

پرسش اصلی :

رویکردهای تحویل‌گرایانه عصب‌شناختی به تجربه دینی چیست و چه نقدهایی بر آنها وارد است؟

پرسش‌های فرعی:

۱. چه نقدهایی به تعریف عصب‌شناسان از تجربه دینی وارد است؟
۲. زمینه‌های گرایش به رویکردهای تحویل‌گرایانه چیست؟
۳. دیدگاه علیت مغز برای تجربه دینی، که بر مبنای تحریک مغز شکل گرفته، چیست و چگونه قابل نقد است؟
۴. رویکردی که تجربه دینی را ناشی از آسیب مغزی یا بیماری روانی می‌داند، چیست و چه اشکالاتی دارد؟
۵. از تاثیری که دارو و مواد مخدر در پیدایش تجربه دینی دارد چگونه می‌توان مادی بودن تجربه دینی را برداشت کرد و این نگاه چه اشکالاتی دارد؟
۶. با توجه به اینکه تجربیات دینی از سنخ ادراک هستند، آیا فیزیکال بودن تجربه دینی قابل پذیرش است؟

۱,۴ . ضرورت تحقیق

در مباحث علم و دین از جمله چالش‌های جدیدی که مطرح می‌شود، تحویل تجربه دینی به فعالیت‌های عصبی است. تجربه دینی در انواع مختلف آن یعنی تجربیات شبه‌حسی، تجارب احیاگر، تجارب وحیانی و تجارب مینوی و عرفانی، در ادیان مختلف به خصوص ادیان ابراهیمی، نقش مهم اعتباربخشی، تربیتی و تعلیمی را ایفا می‌کنند. تمام خواص این تجربیات زمانی قابل استفاده است که بتوان به محتوای آنها اعتماد کرد؛ یعنی بتوان برای صحت و سقم آنها از حیث معرفت‌شناختی، ارزشی را اثبات کرد. رویکردهای تحویل‌گرایانه به تجربه دینی اولین و مهم‌ترین پیامدی که به دنبال دارند، تضعیف یا نفی اعتبار و ارزش معرفت‌شناختی تجربیات دینی است. درباره این مسئله جدید، تبیین و پاسخ کافی عرضه نشده و آثار موجود فارسی چنانچه در پیشینه آمده است، هیچ یک نگاه جامع به تبیین و نقد نداشته‌اند، لذا لازم است این شبهه جدید عرصه علم و دین که اساساً ارزش معرفت‌شناختی یکی از منابع مهم معرفت دینی را به چالش می‌کشد، به تفصیل تبیین و نقد شود. چرا که اگر تجربه دینی را صرفاً فعالیت سلول‌های عصبی مغز بدانیم و نقش هر عامل غیر مادی (خداوند، فرشتگان یا ...) را در ایجاد این تجربه نفی کنیم، به این معناست که تمام اطلاعات حاصل از تجربه دینی، شخصی و متأثر از فرد انسانی است و هیچ اعتباری ندارد.

۱,۵ . روش تحقیق

در این تحقیق ابزار گردآوری، کتابخانه ای است و روش حل مسائل، توصیفی - تحلیلی است.

۱,۶ . ساختار تحقیق

از آنجا که موضوع این تحقیق، موضوعی میان‌رشته‌ای است، ضروری است که به برخی مطالب مرتبط با بحث که در حوزه علوم اعصاب است به صورت هر چند مختصر پرداخته شود لذا پس از بیان کلیات و مفاهیم کلیدی بحث در فصل اول، فصل دوم را به ارائه توضیحاتی درباره علوم اعصاب، تاریخچه آن، علوم اعصاب شناختی، ساختار و کارکرد اجزای مختلف مغز و روشهای مطالعه و تصویربرداری از مغز می‌پردازیم. پس از این مباحث، در فصل سوم به بیان نظریات گوناگون عصب‌شناختی درباره ماهیت تجربه دینی و ارتباط آن با سیستم اعصاب مرکزی می‌پردازیم و پس از مرور نظریات، در فصل چهارم

این رویکردها را از حیث روش شناختی، معرفت شناختی، هستی شناختی و پدیدارشناختی^۱ مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

۲. مفاهیم

۲.۱. تجربه دینی

اصطلاح «تجربه دینی» را اولین بار ویلیام جیمز^۲ (۱۸۴۲-۱۹۱۰) در اثر مشهورش «تنوع تجربه دینی»^۳ (۱۹۰۲) به کار برد. اما سخن از پدیده تجربه دینی در اواخر سده هجدهم میلادی در آثار فریدریش شلایر ماکر^۴ (۱۷۶۸-۱۸۳۴) برای اعتبار بخشی به باورهای دینی به میان آمد؛ هنگامی که شیوه های سنتی استدلال های فلسفی برای توجیه عقیده دینی با انتقادهای متفکرانی همچون دکارت، کانت و هیوم مواجه شده بود. شلایر ماکر با گوهر دین خواندن احساس و تجربه، به نحوی تلاش کرد دین را از زیر فشار آن انتقادات خارج کند.^۵ وین پروادفوت^۶ درباره کار او چنین می گوید:

«شلایر ماکر تمایل داشت که عقیده و عمل دینی را بر پایه تجربه انسانی بنا کند و آن را از اتکا به عقاید متافیزیکی و نظامهای کلیسایی آزاد سازد. او در دو کتاب «درباره دین» و «ایمان مسیحی» تقریرهای کامل و دقیقی از دیدگاه خود ارائه داده است. از نگاه او دین به عنوان عنصری مستقل در تجربه انسانی شناخته می شود، عنصری که نباید به علم، متافیزیک یا اخلاق ارجاع شود. دین تمامیت خود را داراست و در حقیقت به عقیده و عمل دینی به عنوان تجلیات بعد یا عنصر دینی نظر می شود. اساس دین بر یک لحظه تجربه قرار می گیرد که ذاتاً دینی است و نیازی نیست تا با برهان متافیزیک و شواهدی که پیروان برهان نظم اقامه کرده اند، یا با توسل به اهمیت

۱. پدیدارشناسی در این بحث، در معنای لغوی خود به کار رفته که به ماهیت ظاهر و آشکار شیء اشاره دارد. ما می خواهیم آنچه که به عنوان تجربه دینی ظهور یافته و در دسترس است را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم و ببینیم آیا تجربه ای مثل وحی پیامبران بر اساس ویژگی هایی که دارد می تواند صرفاً معلول فعالیت مغزی باشد؟

۲. William James

۳. The Varieties of Religious Experience

۴. Friedrich Schleiermacher

۵. مسعود آذربایجانی، و دیگران، تجربه دینی در فرهنگ اسلامی، ص ۲۲.

۶. Wayne Proudfoot

دین برای زندگی اخلاقی، توجیه شود. وقتی دین مستقل باشد، از هر گونه تعارض بین دین و علم یا اخلاق جلوگیری می‌شود.^۷

تعریف تجربه دینی به عنوان موضوع یک تحقیق آزمایشگاهی، به نظر از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است، اما تقریباً هیچ یک از عصب‌پژوهانی که تحقیقاتشان در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، به مبانی نظری بحث از جمله ارائه تعریفی مناسب برای تجربه دینی نپرداخته‌اند. در واقع آنها روشن بودن معنای تجربه دینی را پیش‌فرض گرفته‌اند. بنابراین، بهتر است که ما مروری کلی بر عمده تعاریف موجود برای این اصطلاح و ویژگی‌ها و انواع آن داشته باشیم زیرا ممکن است در محدوده و شمول یا دقایق تعاریف نکاتی وجود داشته باشد که عدم توجه به آن‌ها موجب مغالطه شود. حتی ممکن است دو اصطلاح کاملاً متفاوت وجود داشته باشد که خلط بین آن‌ها باعث مغالطه شود.

برای تجربه دینی تعاریف مختلفی ارائه شده و هیچ تعریف مورد اتفاقی در این بین وجود ندارد. «تجربه خدا»، «تجربه امر متعالی»، «خودنمایی خداوند در چیزی یا کاری»، «احساس حضور مستقیم خدا»، «احساس کشف یا شهود باطنی خداوند و تجلی خدا بر خود»، «آگاهی کیهانی» و در عام‌ترین تعریف «هر تجربه ای که شخص در نسبت با حیات دینی خود دارد از جمله بهجت، خوف، شوق و ...» از جمله این تعاریف هستند.^۸ برخی اندیشمندان نیز بیش از تمرکز بر ارائه تعریف از تجربه دینی به بیان انواع یا ویژگی‌هایی که می‌توان با آن یک تجربه را دینی قلمداد کرد پرداخته‌اند که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم.

شلایرماخر تجربه دینی را نه تجربه ای عقلی یا معرفتی بلکه «احساس اتکای مطلق و یکپارچه به مبدأ یا قدرتی متمایز از جهان»^۹ می‌داند و با این توصیف ماهیت تجربه دینی را به عنوان یک احساس در نظر می‌گیرد. این تجربه مستقل از مفاهیم، اعتقادات و اعمال دینی و مقدم بر آنهاست و در حقیقت آن عقاید و اعمال، تفسیر تجربه‌اند.

رودلف اتو^{۱۰} (۱۸۶۹-۱۹۳۷) تحت تأثیر شلایرماخر تجربه دینی را از سنخ احساسات، احوال و عواطف می‌داند. اتو تجربه دینی را احساس امر مینوی می‌داند، حالتی نفسانی که کاملاً منحصر به فرد بوده، به هیچ حالت دیگری نمی‌توان آن را تحویل برد. گرایش اتو و شلایرماخر به ابتدای عقیده و عمل دینی

۷. وین پراودفوت، تجربه دینی، ترجمه عباس یزدانی، ص ۱۰.

۸. محمد جواد اصغری، برهان تجربه دینی از دیدگاه ریچارد سوئین برن، ص ۴۳.

۹. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، ص ۴۱.

۱۰. Rudolf Otto